

فصلنامه کانون فرهنگی ایرانیان کارولینای شمالی

په‌ی‌و‌ا‌ن

PEYVAND

THE SEASONAL LETTER OF THE IRANIAN CULTURAL SOCIETY OF NC

۷۴۱
طیبه

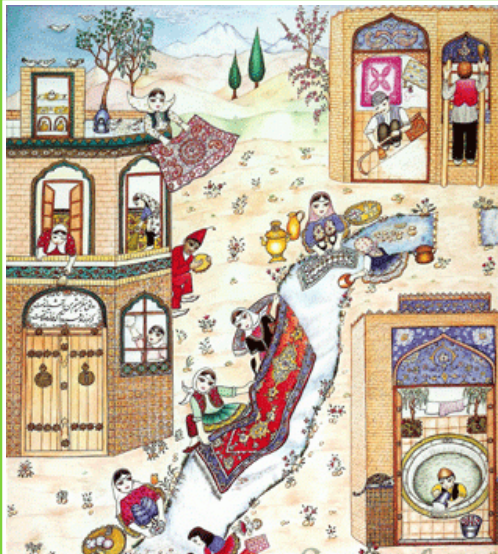
نوروز پیروز



ز کوی یار میآید نسیم باد نوروزی

از این باد ار مدد خواهی چراغ دل برافروزی
به صحرا رو که از دامن غبار غم بيفشانی
به گلزار آی کز بلبل غزل گفتن بیاموزی

حافظ شیرازی



نوروز

بوی باران بوی سبزه بوی خاک
شاخه های شسته باران خورده پاک
آسمان آبی و ابر سپید
برگهای سبز بید
عطر نرگس رقص باد
نغمه شوق پرستو های شاد
خلوت گرم کیوترهای مست
نرم نرمک می رسد اینک بهار
خوش به حال روزگار
خوش به حال چشمه ها و دشت ها
خوش به حال دانه ها و سبزه ها
خوش به حال غنچه های نیمه باز
خوش به حال دختر میخک که می خندد به ناز
خوش به حال جام لبریز از شراب
خوش به حال آفتاب

ای دل من گرچه در این روزگار
جامه رنگین نمی پوشی به کام
باده رنگین نمی نوشی ز جام
نقل و سبزه در میان سفره نیست
جامت از آن می که می باید تهی است
ای دریغ از تو اگر چون گل نرقصی با نسیم
ای دریغ از من اگر مستم نسازد آفتاب
ای دریغ از ما اگر کامی نگیریم از بهار
گر نکوبی شیشه غم را به سنگ
هفت رنگش میشود هفتاد رنگ

شعر : فریدون مشیری



یکی از سنت های زیبای ایرانیان، سبزه کردن دانه های گیاهی برای سفره هفت سین می باشد. این رسم سینه به سینه از نسلهای گذشته به ما ارث رسیده است. ایرانیان در زمان قدیم ۱۲ دانه از قبیل گندم، جو، ماش، عدس، باقلا، ذرت، لوبیا، برنج، کنجد، ارزن... سبزه می کردند که هر کدام نشانه یکی از ماه های سال بود. روز ۶ فروردین در مراسمی همراه با ساز و آواز و رقص بهترین سبزه انتخاب می شد و در ۱۶ فروردین همان سال به کشت آن بذر می پرداختند.

ایرانیان هنوز روز ۱۳ فروردین یا سیزده بدر، یکی دیگر از رسوم قدیمی ایرانی، را در پارک ها و خارج از شهر در کوه و دشت جشن می گیرند و در پایان روز، سبزه ای را که برای سفره هفت سین تهیه کرده بودند، دور می اندازند. در گذشته عقیده بر این بوده است که این سبزه همه بیماریها و درد و بد بختی که در سال آینده در راه خانواده قرار گرفته به خود میگیرد. دست زدن به سبزه دیگران و یا آوردن آن به خانه غم و درد دیگران را به شخصی که این عمل را انجام می دهد، منتقل می کند. دخترهای جوان پیش از دور انداختن سبزه آن را گره می زنند و نیت می کنند که در سال آینده ازدواج کنند. گره زدن سمبل عشق و خانواده می باشد.

گرد آورنده: فرشته ناصحی

March Equinox in Raleigh, North Carolina,
2015
Friday, March 20, 2015 at 6:45 PM EDT

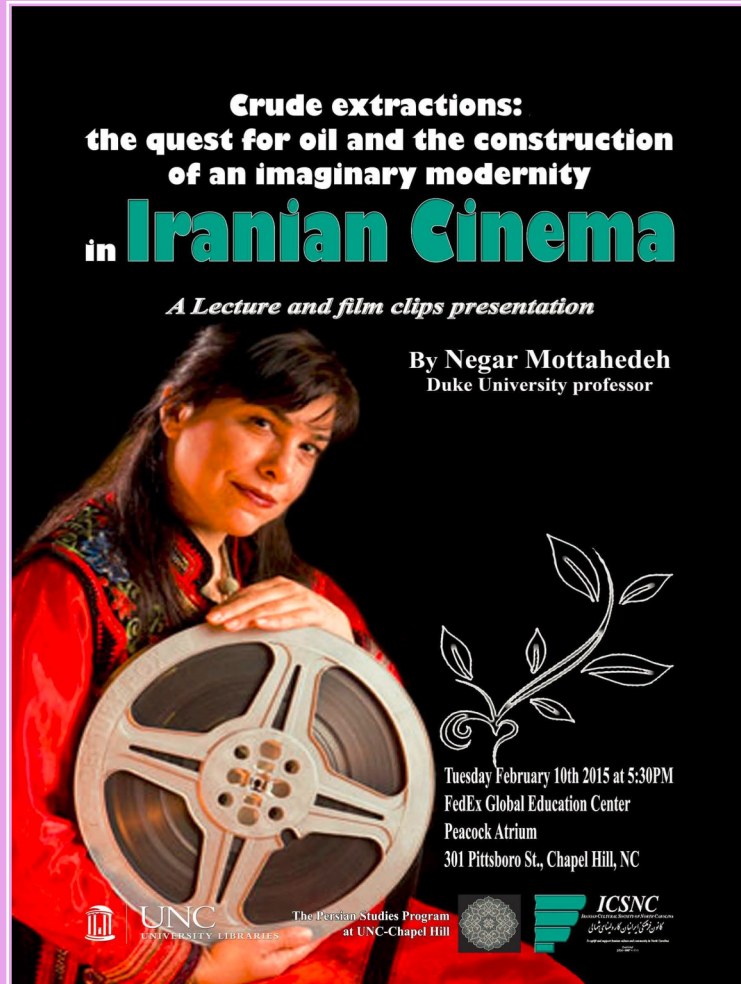
ساعت تحویل در رالی، کارولینای شمالی

جمعه 20 مارچ 2015 ساعت 6:45 بعد از ظهر

سال نو مبارک



مدرسه فارسی در برگزاری جشن یلدا، دسامبر 2014



در برنامه ای که با همکاری کانون اجرا شد، دکتر نگار متحده استاد دانشگاه دوک در مورد سینمای ایران در دانشگاه چپل هیل سخنرانی نمود.



نشاط بطحایی میرزایی و هومن
میرزایی در جشن مهرگان کانون



کنسرت شهرام شب پره از برنامه
های آینده کانون در آوریل 2015



شاگردان مدرسه فارسی در جشن یلدا

دسامبر 2014



پروفیسور اسمیتیز و همسرش پروفیسور نوبویو مانیدا در مراسم اهدای جایزه نوبل در استکهلم با پادشاه سوئد، کینگ کارل گوستاو، و ملکه سیلیا.



این زوج دانشمند هنوز به کار و تحقیقات خود در دانشگاه کارولینای شمالی در چپل هیل ادامه می دهند. تحقیقات دکتر اسمیتیز روی پری اکلمپسیا یا فشار خون در زنان حامله و همچنین ساختن ذرات نانو گلد (ذرات طلا) می باشد که کار بردش اندازه گیری عمل کلیه ها است.

پیام این دانشمند به شاگردانش این است که همان کاری را که علاقمندید انجام دهید افکار منفی را از سرتان بیرون کنید و افکار مثبت را دنبال کنید. با اشتیاق به کار و زندگی بپردازید و آرامش را که یکی از مهمترین مسائل در زندگی است سر لوحه اعمال و کردار خود قرار دهید

ویرایشگر: فرشته ناصحی

من اخیرا افتخار مصاحبه با دکتر آلورا اسمیتیز، برنده جایزه نوبل در فیزیولوژی و پزشکی را داشتم. جایزه نوبل به کسانی تعلق میگیرد که خدمات بزرگی به پیشرفت بشریت کرده باشند. ایشان به همراه دو دانشمند دیگر، دکتر مارتین اوانز و دکتر ماریو کیچی، مشترکا برنده جایزه نوبل شدند. آنها تحقیقاتشان در مورد "هدف گیری ژنی" بود که اثرات زیادی در پیشبرد بیماریهای ژنتیک در علم پزشکی داشته است. جایزه نوبل در سال 2007 به این سه دانشمند در شهر استکهلم سوئد اهدا شد.

دکتر آلورا اسمیتیز تحقیقاتش را روی بیماری تالاسمی، که یکی شایعترین اختلالات موروثی است و همچنین کم خونی داسی شکل انجام داد. کم خونی تالاسمی در ایران شیوع چشمگیری دارد. تالاسمی یک اختلال ژنی با وراثت اتوزومال مغلوب می باشد. این بیماری به دلیل اختلال در ساختن هموگلوبین که حمل کننده اکسیژن در خون است ایجاد شده و علائم بیماری به صورت کم خونی شدید ظاهر می شود. دکتر آلورا اسمیتیز توانست ژن معیوب را از روی "DNA" بر دارد و ژن سالم را به جای آن بگذارد.



دیپلم نوبل دکتر اسمیتیز

دکتر آلورا اسمیتیز در سال 1925 در هالیفاکس انگلستان به دنیا آمد. بعد از اتمام دبیرستان، تحصیلاتش را در دانشگاه آکسفورد ادامه داد. او بعد از اخذ مدرک دکترای در رشته بیوشیمی برای ادامه تحصیل و تحقیقات در سال 1951 به دانشگاه ویسکانسین در آمریکا آمد. پس از دو سال به علت داشتن بورس کامن ولت، مجبور شد در یکی از این کشور ها خدمت کند. او کانادا را انتخاب کرد و در دانشگاه تورنتو موفق به یکی از کشفیات اولیه اش، استفاده از نشاسته در ژل الکتروفورز گردید. دکتر آلوراسمیتیز در سال 1960 به آمریکا بازگشت و در دانشگاه ویسکانسین به تحقیقات خود ادامه داد. در سال 1987 در این دانشگاه موفق به کشف روش "هدف گیری ژنی" شد.

او در سن 50 سالگی به فرا گرفتن فن خلبانی که یکی از آرزوهایش بود روی آورد و تا آنجا پیش رفت که آموزش خلبانی به دیگران را نیز تجربه نمود. پدر بزرگش نیز در سن 70 سالگی به یاد گیری زبان فرانسه پرداخت. دکتر اسمیتیز معتقد است که مغز انسان همیشه فعال است و برای یاد گیری هیچوقت دیر نیست.

بیش از 25 پیش، همسراو که یکی از شاگردانش در دانشگاه ویسکانسین بود بعد از اتمام دوره فوق دکترایش، در دانشگاه کارولینای شمالی در چپل هیل به عنوان پروفیسور استخدام شد. دکتر آلورا اسمیتیز به همسرش قول داده بود که هر جایی شغل بگیرد، او را دنبال خواهد کرد. به این جهت خودش هم تصمیم گرفت که به عنوان پروفیسور در همین دانشگاه استخدام شود و به کار و تحقیقاتش در این ایالت ادامه دهد.

شهلا رضوانی

مشاوری دلسوز با ۲۱ سال سابقه در تمام امور
مربوط به خرید و فروش خانه های مسکونی
وساختمان های تجاری در سراسر کارولینای
شمالی آماده همکاری با شما میباشد.

Shahla Rezvani

"In the Coldwell Banker network of over 84,000 Sales Associates, it is evident that Shahla Rezvani rises to the top. Shahla is consistently, year after year, recognized as one of the top agents not only in the Triangle but in the nation as well."
Randy Cox, Broker In Charge

Office: (919) 960-6302

Fax: (919) 313-9849

Email:

RezvaniS@hpw.com

Website:

www.ShahlaRezvani.com

Continued Achievements!

At the Awards of Excellence in April 2014 Shahla received the following honors:

- #9 Sales Associate in the Southern Region
- Coldwell Banker International President's Premier
- #2 Coldwell Banker Associate in North Carolina
- CB-HPW Volume Leader of the Year
- CB-HPW Listing Associate of the Year
- CB-HPW Listings Sold Associate of the Year
- CB-HPW Associate of the Year Among 13 Offices and 800 Brokers



Why not work with the best !

COLDWELL BANKER

HOWARD PERRY AND WALSTON
HPW.com

Each Office is Independently Owned And Operated



دکتر سارا تبریزی متخصص اطفال ۹۹۹۱-۸۵۹-۹۱۹

(919) 859-9991
FAX (919) 859-6595
940 SE CARY PKWY, STE. 200.
CARY, NC 27518
www.wwpeds.com

WESTERN WAKE PEDIATRICS

MICHAEL K. SMITH, M.D.
ROBERT J. FERRALL, M.D.
MONICA H. SHELTON, M.D.
MARCHI V. LOPEZ-LINUS, M.D.
SARA TABRIZI, M.D.
BARBARA MATHEWS, M.S.N., R.N., C.P.N.P.
JENNIFER M. SMITH, M.S.N., R.N., C.P.N.P.

MOHAMMADI CHIROPRACTIC CLINIC DR. ZAHRA MOHAMMADI

151 QUARRYSTONE CIRCLE #116 - CARY, NC 27519
T: 919 - 389 - 6513

www.mohammadichiropractic.com

TWO ACUPUNCTURE VISITS FOR \$69 - SAVING OF \$61 EXPIRATION DATE : 05.01.2015

SERVICE INCLUDES

- * INITIAL CONSULTATION
- * EMI SCAN
- * TWO TREATMENTS



ICSNC Nowruz Celebration



کانون فرهنگی کارولینای شمالی نوروز ۱۳۹۴ را جشن می گیرد.

March 21, 2015 6:30 PM at
Cypress Manor

1010 Buck Jones Road, Raleigh, NC 27606

www.cypressmanoratlacary.com

Tickets: Ali Khorram ~ alank9@aol.com

Or the ICSNC website: www.icsnc.com



Traditional Nowruz dinner
music, dancing.

Tickets: Adults, non members: \$45.00

Adult members, students and children: \$35.00

children under 3: free

No tickets will be sold at the door



Dr. Smithies receiving his Nobel Prize from His Majesty King Carl XVI Gustaf of Sweden, 10 December, 2007



Drs. Oliver Smithies and Shahla Bagheri at the Dept. of Pathology, library/lounge. The matching colors were not planned

DNA

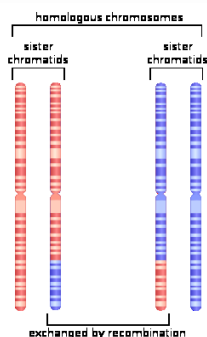
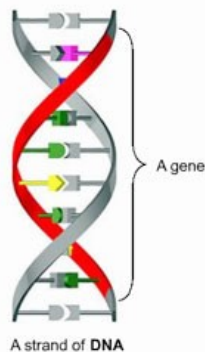
Every living cell contains **DNA**.

DNA is like a large recipe book that determines all of the characteristics that are specific to individual organisms.

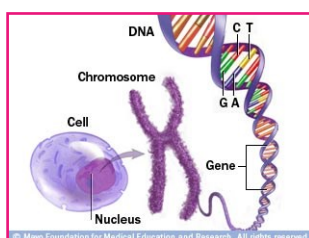
Small sections of DNA are called **genes**.

Genes are like the ingredients that are needed to make up each individual recipe.

Each gene represents a specific **protein** molecule.



Homologous recombination



Cell, chromosome, DNA, gene

It was a proud moment when I met Dr. Oliver Smithies, winner of the 2007 Nobel Prize in physiology and medicine, to conduct this interview. Dr. Smithies exudes a combination of brilliance, joyfulness and passion in accomplishing his life's purpose. Reading his biography on Nobelprize.org, I was amazed at the brainpower, fueled by vivid memories of childhood, the power of visualization, curiosity, constant questioning and the joy that he finds in his work. I was additionally impressed listening to Dr. Smithies' banquet speech at the prize ceremony. In this speech, he thanked his teachers who had influenced him during the various stages of his life, inferring on the importance of transferring information from one generation to another.

I asked Dr. Smithies to explain his discovery in plain language. "It was a simple idea," he said. His ultimate goal was the ability to take a DNA sample from a normal person, choose a gene he was interested in, and convert a defective gene on the DNA of a person with the illness to a normal gene. This is called *homologous recombination*. His interest was in different types of anemia, (a condition in which one does not have enough healthy red blood cells to carry adequate oxygen to his tissues. The disease can cause severe fatigue and weakness) He was mainly interested in *thalassemia*, and sickle cell anemia, both genetic disorders. In these illnesses the gene producing hemoglobin is defective. Dr. Smithies' goal was to find an efficient procedure to convert the faulty gene to a normal gene in the laboratory mice, a.k.a. gene targeting.

In 1982, influenced by reading a published paper that showed how to capture a gene, Dr. Smithies worked on perfecting the method and succeeded. However, the procedure was still inefficient. In 1985, Dr. Martin Evans was able to work on embryonic stem cells in mice. The discovery prompted Dr. Smithies to try altering genes in embryonic stem cells. After a couple of years the technique was perfected and was used to change the gene in a living animal. Dr. Capecchi arrived at a similar discovery in 1987 almost at the same time. The three scientists, Dr. Oliver Smithies, Dr. Mario Capecchi and Sir Martin Evans received the Nobel Prize in physiology and medicine in 2007 for their revolutionary work that changed the direction of genetic therapeutic methods in medical illnesses.



From Left to Right: Dr. Smithies, Dr. Capecchi, Dr. Evans
Nobel Laureates in physiology and medicine 2007

To understand the toil, training and passion that ensued in this breakthrough discovery, one needs to travel back in time to a day in June 1925 when the Smithies fraternal twins, Oliver and Roger were born in Halifax, UK. Dr. Smithies had a strong bond with Roger along with the customary sibling rivalries. "But when somebody bothers you, there are two of you to fight!" Smithies recalls fondly. The brothers went to the local school that dated back to the Elizabethan times. As a child, Oliver Smithies remembers reading a comic strip about an inventor, and decided to become an inventor when he grew up. He was too young to know the word "scientist."

Dr. Smithies enjoyed growing up in a loving family. His mother was a college graduate and taught English in the local technical college where his father was a student. His father later became an insurance salesman and needed a car to perform his job. The family owned an old car, which was unusual in the 1930s. The car was always breaking down and the young Smithies used to help his father fix it, an exercise in using his hands and problem solving, preparing him for his future profession.

Dr. Smithies' grandfather became a beekeeper later in life. The twins, Oliver and Roger, helped their grandfather care for his bees. This was another activity to keep this prodigious schoolboy working with his hands, developing useful skills and observation capabilities. Roger kept his interest in beekeeping into adulthood and harvested honey from hives in the garden of his London Suburban home until age 81 when he passed away. By the time Oliver was 14, the war had broken out in Europe. The young Smithies became enamored with flying, but could not take flying lessons due to the war. At 15, he fiddled with and tried to build a radio transmitter with the help of a friend and at age sixteen the two boys worked on a motorcycle engine given to them by friends and they made the engine run. This experience molded an infatuation for motorcycles in Smithies.

Dr. Smithies continued his education at Balliol College, Oxford University. Balliol College, founded in 1263, boasts educating Adam Smith, Aldous Huxley, Graham Greene and Harold McMillan among many distinguished graduates. One of Dr. Smithies' memories of his Balliol experience is a comment made about him by one of his tutors to the Master of Balliol during the end-of-term meeting: "Smithies can't spell". The master's response, "Oh, all interesting people can't spell," was very encouraging! He continued his studies in medical school and was mentored by AG "Sandy" Ogston. Referring to himself as a medical school dropout, after two years, Dr. Smithies decided to change his field to be able to continue his research. Sandy Ogston, one of his most influential teachers, was one of the founders of molecular biology and himself a Laureate. Dr. Smithies completed his education in physiology and chemistry and received his doctorate degree in biochemistry in 1951 at Oxford University.

After completing his PhD studies, Dr. Ogston encouraged his brilliant student to continue his post doc studies in the United States. Dr. Smithies was awarded a Commonwealth Fund fellowship to continue as a post-doctoral fellow at the University of Wisconsin. Due to the requirements of the Commonwealth Fund, he had to return to a Commonwealth country after completing his post doc education. Dr. Smithies moved to the University of Toronto, and continued his work there from 1953-1960 where his research, and a childhood memory, that the starch his mother used to iron his father's shirts turned to jelly when cooled, led to his first major breakthrough discovery and the introduction of starch as a medium for gel electrophoresis in 1955.

In 1960, Dr. Smithies returned to the University of Wisconsin to continue his work. During these years, he was invited to apply for chairmanships in genetics, biochemistry and immunology, but turning all those opportunities down, admittedly feeling rather selfish, he chose to continue his life as a bench scientist and carry on with his research.

The simultaneous discovery in 1987, with Mario Capecchi and Martin Evans, of the technique of homologous recombination of transgenic DNA with genomic DNA, resulted in a much more reliable method of altering animal genomes than previously used, and a more sophisticated technique behind gene targeting and knocking out genes in mice was developed.

In the pathology building lounge, where I met Dr. Smithies, I asked him why he decided to take flying lessons at age 50. He responded, "I always wanted to learn how to fly. It is very difficult to teach a person how to fly at that age. From this experience he discovered that, "You can always overcome fear with knowledge." His flying instructor remains to be a major influence in his life. Dr. Smithies used to teach flying himself and owned three planes at one time. He still flies his glider. "My grandfather decided to learn French at age 70."

(Continued) An Interview with Dr. Oliver Smithies, winner of Nobel Prize in physiology and medicine, 2007.

On the propensity in his family to learn new skills at an older age, he says, "Because your brain does not stop."

In his personal life, Dr. Smithies enjoys visiting museums to explore the intricacies of sophisticated art work. He equally loves music and his favorite composer is Bach. He says, "If I ever wanted to be somebody else in life, it would have been Bach."

Dr. Smithies is married to Dr. Nobuyo Maeda, one of his post doc students at the University of Wisconsin, and currently a professor at the University of North Carolina at Chapel Hill. She is the reason he moved to this state. Following the completion of her post doc studies at the University of Wisconsin, she obtained a position in the department of pathology at UNC-Chapel Hill. Dr. Smithies had promised his wife that he would follow her wherever she acquired a position. They arrived in Chapel Hill over 25 years ago where they both continue their work as research scientists. Dr. Maeda's research is focused on atherosclerosis (the hardening of arteries.) Borrowing a line from one of his lectures, I pose a question to Dr. Smithies about his future plans: "What's on the next page?"

"Currently, I am writing a paper with one of my post doc students on Preeclampsia to help women who develop high blood pressure during pregnancy." A second research idea Dr. Smithies is working on with another post doc is making nano particles of gold to be used in measuring kidney function. Dr. Smithies continues to train post doc students while he conducts his research, working seven days a week. Much of the research work involves working and testing on lab animals. "It is a privilege to work with animals. It is a special gift to use animals in the lab to help human beings, and we should be careful not to hurt them or take this privilege lightly," he explains.

Dr. Smithies has lectured many students here and overseas. A group of Chinese students, who attended one of his lectures, enthusiastically expressed the most important ideas they had gathered from his talk in a documentary. The jest of what they grasped can be summarized:

- You should be brave enough to be yourself;
- You should get enough sleep, get rid of junk ideas and hang onto good ideas;
- You should have a peaceful heart and passion for your work.

Hearing the students' joyful retelling of the lesson, Dr. Smithies smiled: "They did get the message!" Content with the students' remarks, he affirmed: "What a nice idea to be a peaceful scientist."



Oliver Smithies, like many Nobel Laureates before him, autographs a chair at Kafé Satir at the Nobel Museum in Stockholm. His wife, Professor Nobuyo Maeda, was also attending the event.

ALI KHORRAM

**Licensed General Contractor
(Builder) / Realtor**

**Real Estate Consultant and
Instructor**

ALANK9@AOL.COM

919-625-8989

ICSNC Board of Directors

Kazem Yahyapour: President
Behrouz Mohebbi: Vice President
Minoo Rakhsha: Treasurer
Azita Wilson: Secretary
Maria Thoenen: Board Member
Shahla Bagheri: Board Member
Javad Taheri: Board Member
Bahman Asgharian: Board Member
Farid Alborzi: Board Member

In This Issue:	Page
Nowruz Pirooz.....	2
Kanoon News.....	3
Interview, Dr. Smithies, Farsi version.....	4
Interview, Dr. Smithies, English version.....	6
Index.....	9
Dr. Meymandi's article.....	10
Women in Persian Poetry.....	11
Nobel Prize.....	13
Satire.....	14
Dalai Lama on the ethics of animal testing.....	15
Khosh shansi, bad shansi.....	16
Groundhog day.....	17
Remembrance of the past.....	20
Persian School Yalda celebration.....	21
Community volunteerism and activity.....	22

Please notify ICSNC of any changes in your mailing or email address:

icsnc@icsnc.org ~ Phone: 919-466-9903

For sponsorship, advertising your company or other notices please contact:

bagherimd@gmail.com

Cover: Design Consultant: Shakiba Enayati

مشاور طراحی روی جلد: شکبیا عنایتی

نامه سردبیر



در تهیه پیوند، نشریه کانون ایرانیان، ما کوشش فراوان داریم که ذکری از مسائل سیاسی و یا مذهبی نشود. شکی در اهمیت این موضوعات نیست ولی کانون سازمانی است غیر انتفاعی و اهدافش از نظر قانونی به ثبت رسانده شده. این اهداف به عبارت زیر می باشند:

- حفظ و گسترش فرهنگ، ادبیات و زبان فارسی، تاریخ ایران، موسیقی، رقص، هنر و روش دست پخت ایرانی، همچنین رسوم و جشنهای ایرانی برای خدمت به ایرانیان ساکن کارولینای شمالی.
- ایجاد روابط مثبت و پرحاصل در جامعه ایرانی ساکن کارولینای شمالی.
- کانون هیچ نوع رابطه ای با سازمان های سیاسی و مذهبی نمی تواند داشته باشد.
- کانون هیچ رابطه ای با اتحادیه ها، احزاب سیاسی و گروه های مذهبی ندارد. این هدف ها اتحاد را در جامعه ایرانی حفظ می کند و ما از این طریق می توانیم دین خود را به نیاکانمان، به آنهایی که زندگیشان را فدای کشور کرده اند، به فردوسی، مولانا، حافظ، سعدی، پور سینا و هزاران نویسنده، شاعر، دانشمند و اشخاص عادی که در این مهد هنر و علم پا به عرصه وجود گذاشته اند ادا کنیم بدون این که احساسات شخصی باعث اختلاف در جامعه ما بشود. قصد ما خدمت به هنر و فرهنگ ایران است.
- من این فرصت را مغتنم می شمارم و از همه افرادی که در تهیه این نشریه داوطلبانه به من کمک می کنند، هموطنانی که کارهای هنری، مقاله و اشعارشان را به پیوند عرضه می نمایند، بنگاه ها، تجار و کسانی که با اهدای وجه مالی به انتشار پیوند یاری می کنند سپاسگزارم.

Iranian Cultural Society of North Carolina

PO BOX 32217, Raleigh, NC 27622

www.ICSNC.org

Spring 2015 Issue of Peyvand, ICSNC Newsletter # 90

Editor: Shahla Bagheri, MD

Design Consultant: Shakiba Enayati

Public Relations: Maria Thoenen

Farsi Editor: Fereshteh Nassehi

Proof Reading and Website: Nazi Kite

Please send your comments or questions to:

mathoenen@gmail.com or mail them to:

ICSNC/Peyvand, PO BOX 32217, Raleigh, NC 27622



که به او ماموریت داده شد که به مردم مفهوم "ایمان" را بیاموزد. ماموریت جواد این بوده است که به مردم تاریخ، تفکر انتقادی، اعتماد به نفس، تعهد به بشر دوستی و وطن پرستی را بیاموزد.

زمانی که من به جواد میمندی می اندیشم، به یاد "سنت جروم" و "آگوستین هیو" می افتم که خود را وقف دیگران نمودند. آنها بدون خود خواهی، و نفس پرستی به دیگران خدمت کردند و تعهدشان به حقیقت، عدالت و عشق به انسانیت بر همه مسائل دیگر زندگی غلبه پیدا کرد.

و بالاخره، زمانی که من به برادر جواد می اندیشم، به یاد یک دوست مهربان و پذیرا می افتم.

**The writer is Adjunct Professor of Psychiatry, University of North Carolina School of Medicine at Chapel Hill, Distinguished Life fellow American Psychiatric Association, and Founding Editor and Editor-in-Chief, Wake County Physician Magazine (1995-2012). He serves as a Visiting Scholar and lecturer on Medicine, the Arts and Humanities at his alma mater, the George Washington University School of Medicine and Health.*

در چنین روزی همه افروختگان
پایکوبان جمله در هر سو روان
مژده ها بر لب ز میلادت خبر
می پراکندند در هر بوم و بر
می سرودند: ای دلت دریای عشق
ای ز تو روشن همه ماوای عشق
بس به مکتب داده ای سر مشق عشق
یاد از آن دارند یاران مشق عشق
جان فدای خاک راهت گر کنم
بر یقین ام ای معلم کم کنم
زادروز فرخ آن فرخنده باد
جان ایران ز عطر تو آکنده باد
شعر از: مسعود مه زاد

باعث بیماری روحی می شود. این "کانکتو پاتی" بیماریهایی نظیر اوتیسم (در خود فرو رفتگی)، بای پولار (دو قطبی)، اسکیزوفرنی (جنون جوانی) و اکثر بیماریهای روانی را توجیه می کند. علاوه بر این، ساختمان مغز مانند ساختمان کلیه، کبد، یا ریه ترکیب ساده ندارد و در نتیجه مغز انسان در موارد اختلال ارتباطی بین سلولهایش بیشتر آسیب پذیر می باشد. تنوع و پیچیدگی سلول های مغزی از شگفتی های طبیعت است.

برادر من، نه تنها برادر بلکه از زمان تولدم معلم و مربی من بوده است و شخصیت مرا شکل و پرورش داده است. در زمان کودکی من، وقتی از دبیرستان به خانه باز می گشت، همه مطالبی را که در طول روز آموخته بود به من یاد می داد. آموزش و تدریس او باعث شد که من در کالج سن لویی، مدرسه یسوعیون در تهران، که به زبان فرانسه درس میدادند موفقیت زیادی پیدا کنم. او همچنین منبع پر ارزشی برای راهنمایی معنوی و انتخاب راه صحیح در زندگی بود. اکنون که همه هفت خواهر و برادر از دنیا رفته اند من و او تنها بازماندگان خانواده هستیم؛ و بنابر این جواد اکنون بزرگ خانواده میمندی می باشد. برای نودمین سالگرد زادروز او اعضای خانواده میمندی و دوستان و شاگردانش کتابی تهیه کردند به نام "ستاره و سالار خاندان".

دکتر محمد جواد میمندی که در روز تولدش ۲۱ سپتامبر، به او تقدیم شد. من این مقاله شخصی را در پاسخ دوستانی که او را در سفر های گوناگونش به رالی ملاقات کرده بودند می نویسم زیرا که این دوستان می خواستند که همه اطرافیان با شخصیت مهربان و خصوصیات انسانی و زیبایی برادرش آشنا شوند. این نوشته حماسه زندگی اوست.

زمانی که من به برادرم دکتر محمد جواد میمندی می اندیشم، او مرا به یاد "بنجامین فرانکلین" می اندازد که فردی وطن پرست، با اندیشه و مسن ترین نویسنده قانون اساسی ایالت متحده می باشد. بنجامین فرانکلین مردی بود که فروتنی او گنجی پر بها تر از هوش فراوانش بود. فرزندی و خرد او دنیای ادبیات آمریکایی را رهبری کرد. زیرکی و استعدادش مثل چراغی بود که مردم را خیره نمی کرد، بلکه آنان را روشن و مطلع می نمود. انسانیت و همچنین خوش مزاجی او باعث میشد که خانواده، دوستان، همکاران و شاگردانش او را دوست بدارند. حس توازن و بصیرتش به جذب و محبوبیت او اضافه می کرد. اعتقاد او به قوانین اخلاقی، به صداقت و عشق به انسانیت و بشریت، او را مانند کوه سینا قوی و پایدار کرده بود. کسی که نیکو کاری و بخشایش در مسایل مالی، صرف وقت برای دیگران و نیکوکاری معنوی اش او را مانند یک درخت بلوط می نمود که هزاران شاخه اش سایه و پناه دیگران می بود. این خصوصیات مرا به یاد جواد، برادرم می اندازد که حتی نام او "جواد" به معنای "بخشش یا سخاوت" می باشد.

زمانی که من به برادرم می اندیشم، به یاد "ابراهیم" می افتم

اخیرا، من موقعیت (و افتخار) معاینه فیزیکی برادرم را که به تازگی تولد ۹۰ سالگی او را جشن گرفتیم، در سفرش به شهر رالی، پیدا کردم. او در شهر مالیبو در کالیفرنیا زندگی می کند. سفر برادرم به ما فرصتی داد که تولد ۹۰ سالگی او را به شیوه "تار هیلز" بر گزار کنیم.

برادرم شخصیت بر جسته و یکتایی دارد. از نظر جسمی و همچنین فکری خیلی فعال است. راه رفتنش تند و هدف مند و پله ها را دو یا سه پله در میان می پیماید. به چند زبان شعر دکلمه می کند و می تواند با روشی قانع کننده در مورد موضوعات مختلف بحث کند. با اشتیاق فراوان و با نیتی خاص، احساس علاقه و شادی را در همه اطرافیانش ایجاد می کند. برادرم خوش صحبت است و کلماتش را به طریقی خوش نوا، دلپذیر، و با زیر و بم، و جملاتش را با ترکیب بندی زیبا ادا می کند. این شخصیت یکتا و دانش پژوه تحصیلاتش را در آمریکا به پایان رساند و در گذشته رئیس دانشگاه بوده است. هم اکنون استاد افتخاری دانشگاه می باشد و همچنان به مطالعه و تحقیقات خود ادامه می دهد. برادرم، دکتر جواد میمندی، نویسنده پر کاری است و کتاب هایش در رشته های کشاورزی، گیاه شناسی، بوم شناسی و همچنین اصول ترجمه هنوز در دانشگاه تهران تدریس می شوند.

در مدت معاینه او، احساسی به من دست داد که با یک دستگاه حیاتی شگفت انگیز مواجه شده ام که از مغزی با شبکه ای متشکل از ۲۰۰ بیلیون سلول (نورون و سلولهای گلیا یا ماده خاکستری) و ۳۰ تریلیون همایه های ارتباطی (سیناپس) تشکیل شده است. این سلول های مغزی ساختمان و کار برد بسیار پیچیده ای دارند. من مشاهده کردم که برادرم علاوه بر مغزی پیچیده که دو و نیم پوند وزن دارد، دارای بدنی است کاملاً سالم با فشار خون و ضربان قلبی که بیشتر شبیه یک نو جوان است تا شخصی در آستانه دهه دهم زندگی. سرنوشت به این انسان جسمی سالم، روحی زیبا، و مغزی آگاه و هشیار برکت داده است.

تاریخچه کوتاهی در باره نوروبیولوژی:

جیمز واتسون و فرانسیس کریک در سال ۱۹۵۳ "دی آکسی ریبونوکلیک اسید" یا "DNA" را کشف کرده و در سال ۱۹۶۲ جایزه نوبل را در رشته پزشکی و فیزیولوژی دریافت کردند. مدت کوتاهی بعد از این کشف، طرح ژنوم انسانی و شناسایی و ترتیب گذاری ژن ها به اتمام رسید.

کشف پروتئومیکس (مطالعه ساختمان و کار ویژه پروتئین ها) به دنبال طرح ژنوم انجام گرفت و هم اکنون تحقیقات دانشمندان برجسته در رشته دانش پی شناسی، رشته جدید دانش کانکتومیکس را ایجاد کرده اند. تحقیقات جف لیکتمن در دانشگاه هاروارد، عمق پیشرفت در کانکتوم انسانی را در علم کانکتومیکس (مطالعه ارتباطات سلولهای مغزی در دستگاه اعصاب) نشان می دهد. ما حالا می دانیم که بیماری روانی یک نوع عدم تعادل در کار مغز می باشد. اختلال در ارتباطات سلول های مغزی در این عضو پیچیده است که



مریم طیب زاده، نویسنده چهار کتاب می باشد که به زبان های فارسی و انگلیسی چاپ شده اند. جدید ترین کتاب او به نام "Danger of Love" به تازگی منتشر شده است. مریم در سال گذشته از حرفه خود در SAS بازنشسته شد و هم اکنون فعالیت هایش را در نویسندگی و سخنرانی در باره شعر و ادبیات پارسی ادامه می دهد.

شعر از دیر زمان بهترین وسیله نشان دادن احساسات لطیف شاعران و نماینده افکار قرون متمادی زندگی ایرانی است، چرا که شعر تنها هنری است که از ممنوعیت مذهبی مصون مانده. پس نگاهی به اشعار قرون مختلف، سبیری است از قوانین زمانه. در قرن چهارم، پنجم و ششم هجری سه شاعر داستان سرا زندگی ایرانیان را قبل از حمله اعراب به نظم کشیده اند. فردوسی، فخرالدین اسعد گرکانی و نظامی. در این آثار ما زنانی را می بینیم که چون مردان می جنگند: (گرد آفرید و گردیه در شاهنامه فردوسی) سروده ی زیبای حکیم در باب ستایش زنان شیر دل:

ندانست سهراب که او دختر است سر موی او از در افسر است

شگفت آمدش گفت از ایران سپاه چنین دختر آید به آوردگاه

سواران جنگی به روز نبرد همانا به زیر اندر آرند گرد

زنانشان چنین اند ایران سران چگونه اند گردان جنگ آوران

خرمند می باشند و اندر زشان جنگ را به صلح تبدیل میکند: (سیندخت در داستان زال و رودابه)، و عدم توجه به اندر زشان برای مردان مرگ آور است. (بند کتابی در داستان رستم و اسفندیار و اندرز گردیه به بهرام چوبین که هردو قهرمان داستان به علت عدم توجه به اندرز زنان کشته میشوند--فردوسی)

اگر من زنم پند مردان دهم بسیار سال از برادر کهم

به والاترین مقام رهبری میرسند: (همای چهارزاد، پوران دخت و آذر میدخت شاهان ایرانی: فردوسی). آرزوها و هوسهای زنانه اغلب به سرانجامی شیرین منتهی شده و زن به آرزوهایش میرسد: (رودابه و تهمنه: فردوسی، همچنین ویس در داستان گرگانی). باید دقت کرد که این سه راد مرد شعرو ادب پارسی آثارشان را از زبان پهلوی ترجمه کرده اند و از زنان قبل از اسلام سخن میگویند. شاعر شهیر پارسی قرن ششم، سعدی شیرین سخن، جای زنان را مطابق قوانین زمان خود در داستانهایش چنین توصیف میکند:

زن خوب فرمانبر پارسا کند مرد درویش را پادشا

چو مستور باشد زن خو بروی به دیدار او در بهشت است شو

دلارام باشد زن نیک خواه ولیکن زن بد خدایا پناه

سفر عید باشد بر آن کد خدای که بانوی زشتش بود در سرای

در خرمی بر سرایی ببند که بانگ زن از وی بر آید بلند

چو زن راه بازار گیرد بزن وگر نه تو در خانه بنشین چو زن

زنی را که جهلست و ناراستی بلا بر سر خود نه زن خواستی

چو در روی بیگانه خندید زن دگر مرد گو لاف مردی مزین

ز بیگانگان چشم زن کور باد چو بیرون شد از خانه درگور باد

چو بینی که زن پای بر جا نیست ثبات از خردمندی و رای نیست

گریز از کفش در دهان نهنگ که مردن به از زندگانی به ننگ

بپوشانش از چشم بیگانه روی وگرنشوند چه زن آن گه چه شوی

زن خوب خوش طبع رنجست ز رها کن زن زشت نا سازگار

چه نغز آمد این سخن زان دوتن که سرگشته بودند از دست زن

یکی گفت کس را زن بد مباد دگر گفت زن در جهان خود مباد

زن نو کن ای دوست هر نو بهار که تقویم پاری نیاید به کار

در ادبیات مشروطه که پدیدآورندگان آن را عناصر ترقی خواه تشکیل می دادند، زن عضوی از پیکر اجتماع شد با مرد همتا و برابر که در درازنای تاریخ بر وی ستم رفته حقوق او نا دیده گرفته شده بود، و اینک وقت آن بود که به صحنه آید و در عرصه های گوناگون یار و

انبا از مرد گردد. شاعران زمان مشروطه و کمی بعد از آن، همگی ضد حجاب و تعدد زوجات و طرفدار شرکت زنان در کارهای اجتماعی و کسب علم و دانش هستند. این شاعران عبارتند از:

عشق:

در همان دم که در این تیره و یار آمده ام خود کفن کرده به سر، خود به مزار آمده ام

هر چه زن دیدم آنجا همه آن سان دیدم همه را زنده درون کفن انسان دیدم

لاهوئی:

برخیز از خواب ای صنم شرق برخیز و به پا کن علم شرق

بی شخص تو در راه ترقی هرگز نرود یک قدم شرق

منهای تو در جمله عالم صفری است به جای رقم شرق

ای دختر زحمتکش ایران برخیز و به پا کن علم شرق

ملك الشعراى بهار :

فتنه آن به که در اطراف تو کمتر باشد

زن شیرین به مذاق دل ارباب کمال گرچه قند است نباید که مکرر باشد

در این زمان است که ستاره شعر پارسی پروین متولد شده، راه را برای دیگر شاعران زن باز میکند.

زن در ایران، پیش از این گویی که ایرانی نبود
پیش از آن، جز تیره روزی و پریشانی نبود
از برای زن به میدان فراخ زندگی
سرنوشت و قسمتی، جز تنگ میدانی نبود
میوه های دکه دانش فراوان بود، لیک بهر زن
هرگز نصیبی زین فراوانی نبود
پستی نسوان ایران، جمله از بی دانشی است
مرد یا زن برتری و رتبت از دانستن است
به که هر دختر بداند قدر علم آموختن
تا نگوید کس، پسر هشیار و دختر کودن است
زن ز تحصیل هنر شد شهره در هر کشوری
بر نکرد از ما کسی زین خواب بیدردی سری
از چه نسوان از حقوق خویشتن بی بهره اند
نام این قوم از چه، دور افتاده از هر دفتری

پس از پروین در آسمان شعر ایران ستاره هائی درخشیدند مانند فروغ: دید نو و نگاه زنانه فروغ در شعر امروز فارسی به تازگی هویتی است که او به زن داده است. زن یعنی انسان، آفریده ای که جسم، روح، زبان، احساس، اندیشه و در نتیجه استقلال فردی دارد. این تصویر نقطه مقابل تصویر پیشین زن در فرهنگ این سرزمین است، تصویری که به روپا بیشتر مانده بود تا به واقعیت، و در حجابی از خیال و عشق و تحقیر قرن ها راز گونه زیسته بود.

دخترک خنده کنان گفت که چیست

راز این حلقه زر

راز این حلقه که انگشت مرا

این چنین تنگ گرفته به بر

راز این حلقه که در چهره او

این همه تابش و درخشندگی است؟

مرد حیران شد و گفت

حلقه خوشبختی است حلقه زندگی است

همه گفتند مبارک باشد

دخترک گفت دریغا که مرا باز در معنی آن شک باشد

سالها رفت و شبی زنی پژمرده نظر کرد بر آن حلق زر

دید در نقش فروزنده او

باز هم تابش و درخشندگی است

حلقه بردگی و بنده گی است

وسیمین بهبهانی که بعزت عمر طولانیست توانست برای تمام جنبه های زندگی بسراید.

زمانی از سبک پروین پیروی میکرد و دیگر زمانی چون فروغ از خود و احساسات زنانه سخن میگفت و بلاخره از اجتماع و سیاست. قسمتی از آخرین سروده این بانوی شعر ایران "من زنم":

خواهی نباشم و خواهم بود دور از دیار نخواهم شد
تا "گود" هست، میان دارم اهل کنار، نخواهم شد
یک دشت شعر و سخن دارم حال از هوای وطن دارم
چابک غزال غزل هستم آسان شکار نخواهم شد
من زنم ام به سخن گفتن جوش و خروش و برآشفتن
از سنگ و صخره نیاندیشم سیلم، مهار نخواهم شد
گیسو به حیل چرخا پوشم گردآفرید چرا باشم
من آن زنم که به نامردی سوی حصار نخواهم شد
برقم که بعد درخشیدن از من سکوت نمی زبید
غوغای رعد ز پی دارم فارغ ز کار نخواهم شد
"تنها صداست که می ماند"

من ماندگار نخواهم شد
در عین پیری و بیماری دستی به یال سمنم هست
مشتاق تاختتم، گیرم دیگر سوار نخواهم شد

زیبا شیرازی، از ترانه سرایان جدیدی است که در کالیفرنیا زندگی می کند:

من منم من یک زنم، آزادی پیراهنم
عشوه ار پا تا سرم لیکن ز سنگم آهنم
من منم من مادرم، دوستم رفیقم همسرم
شیره جاننت ز من چادر میدناز بر سرم
تاب گیسویم سرابی بیش نیست،
نقش بیهوده برآبی بیش نیست
وین لب لعل و حدیث چشم مست،
بر لب مست خرابی بیش نیست
وصف ابروی کمان و تیر مژگان سیاه،
حربه و ابزار جنگ شعر نابی بیش نیست

هیلا صدیقی دختر شجاعی است که اشعار زیبایی می سراید. "من زن ایرانی"

نمونه ای از اشعار ایشان است:

سرزمین خاک افسونگر دل خاورمیانه

نام تو تاریخ تو مردان کویت جاودان

من زن ایرانی ام ایرانی از جنس تن تو

هم صبور و هم غیورم طفلی از آبتن تو

من زن ایرانی ام همسایه و هم نسل شیرین

خواهر تهمینه و هم قصه ی پوران و پروین

من زن ایرانی ام اهل تمدن

من زن ایرانی می سازمت با خشت جانم

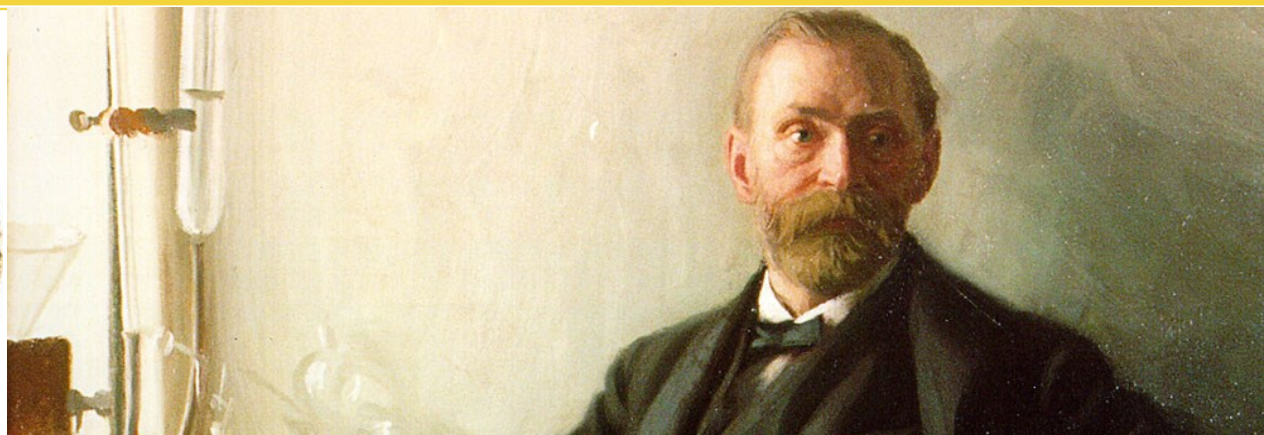
میزنم تا سقف تو صداها ستون با استخوانم

من زن ایرانی ام ایرانی از جنس تن تو

هم صبور و هم غیورم طفلی از آبتن تو



جایزه نوبل



آلفرد نوبل در سال ۱۸۹۵ قسمت اعظم ثروتش را به ایجاد جایزه نوبل اختصاص داد. خانواده اش مخالف این تصمیم بودند. به این دلیل اولین جایزه در سال ۱۹۰۱ به اولین برنده اهدا شد. نوبل این جایزه را برای کسانی ایجاد کرد که تحقیقات علمی، ادبی و یا فعالیت هایشان بزرگترین خدمت را به بشریت انجام داده باشد. جایزه به مقدار مساوی در پنج رشته، فیزیک، شیمی، فیزیولوژی و پزشکی، ادبیات و صلح تقسیم می شود. جوایز فیزیک و شیمی به وسیله آکادمی علوم سوئد تعیین می شود. انستیتیو کارولینسکا در استکهلم جایزه فیزیولوژی یا پزشکی را تعیین می کند. انتخاب جایزه ادبیات به عهده رویال آکادمی در سوئد می باشد. ولی جایزه صلح به وسیله یک کمیته پنج نفری که بر اساس وصیتنامه نوبل به وسیله پارلمان نروژ انتخاب می شوند، اهدا میشود. جایزه نوبل در اقتصاد در سال ۱۹۶۸ به وسیله بانک مرکزی سوئد دایر شد.

به برندگان جایزه نوبل یک مدال طلا، دیپلم و مقدار معینی وجه مالی که به وسیله بنیاد نوبل تعیین شده اهدا می شود.

چند نکته جالب راجع به برندگان جوایز نوبل:

بیشترین تعداد افراد یک خانواده که این جایزه را برده اند، خانواده "کوری" می باشد که جمعا پنج جایزه نوبل به آنها اهدا شد. مادام کوری خود دوبار جایزه نوبل را در سالهای ۱۹۰۳ و ۱۹۱۱ در رشته فیزیک دریافت کرد. همسرش پیر کوری در ۱۹۰۳ همراه با او نوبل را گرفت. دختر این زوج، ایرن کوری ژولیوت و همسرش فردریک ژولیوت در سال ۱۹۳۵ هر دو جایزه نوبل را در شیمی دریافت کردند.

جوان ترین فردی که جایزه را برده است، مالالا یوسف زایی در سن ۱۷ سالگی می باشد که برنده جایزه صلح در سال ۲۰۱۴ بود. بعد از او جوانترین برنده لارنس برک در سن ۲۵ سالگی است که به همراهی پدرش ویلیام هنری برگ جایزه نوبل را در فیزیک گرفت.



مادام کوری و دخترانش



شیرین عبادی، برنده جایزه نوبل صلح ۲۰۰۳



مالالا

یک روز ملانصرالدین خرش را در جنگل گم می کند.
موقع گشتن به دنبال آن یک گورخر پیدا می کند.
به آن می گوید: ای کلک لباس ورزشی پوشیدی تا نشناسمت

وظیفه و تکلیف

روزی ملانصرالدین بدون دعوت رفت به مجلس جشنی.
یکی گفت: "جناب ملا! شما که دعوت نداشتی چرا آمدی؟"
ملانصرالدین جواب داد: "اگر صاحب خانه تکلیف خودش را نمی داند.
من وظیفه می خودم را می دانم و هیچ وقت از آن غافل نمی شوم."

طنز پیرزن

روزنامه نگار : حاج خانم چندتا اولاد دارید ؟
پیر زن : 5 تا فرزند داشتم !
روزنامه نگار : مگر الان دیگه نداریشون حاج خانم؟
پیرزن : نه دوتاشون اسیر شدن سه تا شونم مفقود الاثر .
خبر نگار : ماشاالله به این شیر زن صبور !
کدام منطقه اسیر و یا مفقود الاثر شدن مادر ؟
پیر زن : دوتا شون دختر بود، شوهر کردن اسیر شدن .
سه تاش هم پسر بود ، زن گرفتن، مفقود الاثرند .

پول

یک روز یک مردی به ملا گفت: ملا جون یک کم به من پول بده.
ملا گفت: آخه من نمی تونم به کسی کم پول بدم.
مرد گفت: خوب اشکالی نداره، زیاد بهم پول بده.
ملا جوابش داد: آخه تو ارزشش زیاده پول دادن نداری!

مناظره با خر

شعر: ایرج میرزا

روزی به رهی مرا گذر بود
خوابیده به ره جناب خر بود
از خر تو نگو که چون گهر بود
چون صاحب دانش و هنر بود
گفتم که جناب در چه حالی
فرمود که وضع باشد عالی
گفتم که بیا خری رها کن
آدم شو و بعد از این صفا کن
گفتا که برو مرا رها کن
زخم تن خویش را دوا کن
خر صاحب عقل و هوش باشد
دور از عمل وحوش باشد
نه ظلم به دیگری نمودیم
نه اهل ریا و مکر بودیم
راضی چو به رزق خویش
بودیم
از سفره کس نان نه ربودیم
دیدي تو خری گشود خری را؟
یا آنکه برد ز تن سری را؟
دیدي تو خری که کم فروشد ؟
یا بهر فریب خلق کوشد ؟
دیدي تو خری که رشوه خوار
است؟
یا بر خر دیگری سوار
است؟
دیدي تو خری شکسته پیمان؟
یا آنکه ز دیگری برد نان؟
خر دور ز قیل و قال باشد
نارو زدنش محال باشد
خر معدن معرفت کمال است
غیر از خربت ز خر محال
است

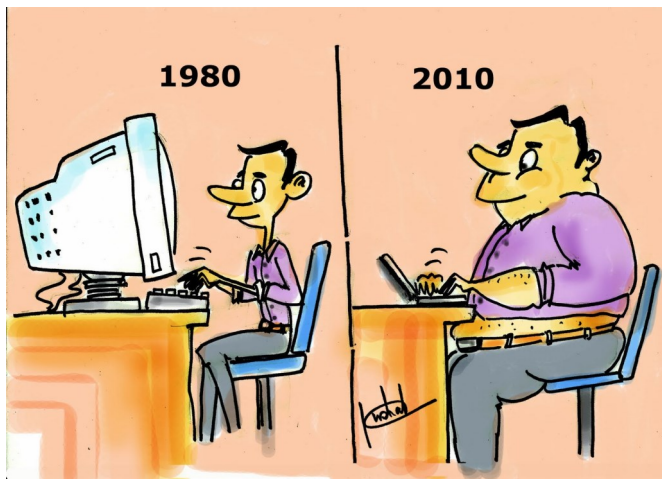
تزویر و ریا و مکر و حيله
منسوخ شدست در طویله

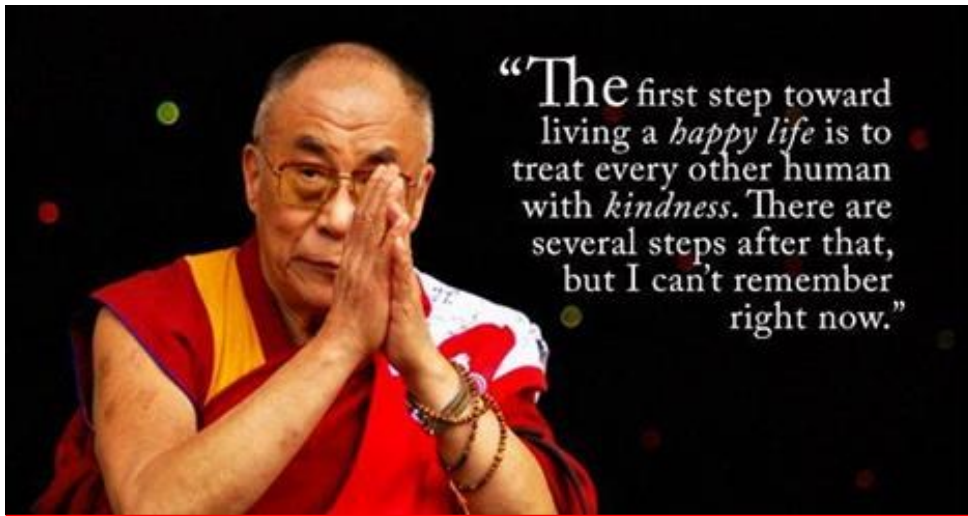
دیدم سخنش همه متین است
فرمایش او همه یقین است

گفتم که ز آدمی سری تو
هرچند به دید ما خری تو

بنشستم و آرزو نمودم
بر خالق خویش رو نمودم

ای کاش که قانون خربت
جاری بشود به آدمیت...!!!





Dalai Lama, on Laboratory Animal Testing and Human Progress

In the book "Train your Mind, Change Your Brain" by Sharon Begley, Dalai Lama is described as having a principal interest in science. He has established an annual conference where he listens to the latest scientific discoveries and progress by international scientists and speakers. His position in the ethics of laboratory animal testing is as follows:

"If the human being for whose welfare the animal was sacrificed, as a result of the benefit that was derived from this, leads a more constructive life, then perhaps there is some justification. But if the human beings who benefit from such results then lead a life that is not constructive, then it has a difficulty.

Now, I can give you one example, I think. A Buddhist is facing starvation. Some fish are there. He thinks, do I take the life of the fish and survive? If yes, then the rest of your life, devote some sort of beneficial work to others, to pay for that fish. Then, the sacrifice of the fish helped one human to survive, and that human life is now really useful, beneficial to larger set of sentient beings. Then I think there may be some moral justification. But if you lead your life in more negative way, then better to die, instead of taking the fish."...

"In the case of scientists, if as a result of experiments the scientists have done and of what the scientists have gained in knowledge, a much larger community of human beings will benefit, in that case there is a beneficial element to this work. To carry out experiments on animals with sincere motivation, and with this sense of compassion, and taking care, full care, of the animals, this has moral justification." ...

"Humanity more compassionate species and particularly humanity has a unique sort of intelligence, with potential for unlimited, constructive work," continued the Dalai Lama. "So, therefore, from that view point, yes, we have some justification to use another animal's life, but while we are exploiting them, it must be with some feeling, some care."



"شاه امیران"

تالاب به لب لعل تو جانان برسانم
جان را به لب خسته نالان برسانم

تا جمع کنم خاطر خود در خطر رویت
خاطر به سر زلف پریشان برسانم

نرگس نگران و به تمنا که مبادا
من نرگس مستنت به گلستان برسانم

مخمور فتادند همه باده پرستان
ساقی ز کجا باده به مستان برسانم

دیوانه کنی صد دل عاقل چو بیایی
وصف تو به سر لوحه دیوان برسانم

کفر است اگر برکشم از کوی تو دامن
دیگر صنمی را به دل ایمان برسانم

صورتگر چین، چین خورد ابرو چو ببیند
نقش رخ ماه تو به ایوان برسانم

رسم زمان یاد برد رسم قلم را
تارسم خط تو بر ایشان برسانم

سعدی بکشد دست ز بستان و گلستان
خواهد که ورا تا دل ویران برسانم

حافظ به غزل خوانی از اسرار الهی
گوید که تو را تا بر خوبان برسانم

تب ریز شود شمس به تبریز تب آلود
تا خسته عشقی به طبیبان برسانم

گر دولت وصلی طلبم در بر جانان
یادست بر آن سرو خرامان برسانم

باید که رها گردم و دستی به گدایی
بر دامن آن شاه امیران برسانم

شعر از: مسعود مہزاد



خوش‌شناسی و بدشناسی وجود دارد یا نه؟ این سوالی بود که ریچارد وایزمن، روان‌شناس برجسته دانشگاه هارتفوردشایر را به تحقیق واداشت. او از سال ۱۹۹۴ تحقیقات خود را در مورد رابطه انسانها با شناس شروع کرد که ۱۰ سال طول کشید. وایزمن می‌خواست بداند چرا بخت و اقبال همیشه در خانه بعضی‌ها را می‌زند، اما سایرین از آن محروم می‌مانند. وی یک آگهی در روزنامه‌های سراسری چاپ کرد و از افرادی که خود را خوش‌شناس و بدشناس می‌دانستند خواست تا با او تماس بگیرند. ۷۰۰ نفر برای شرکت در تحقیقات وایزمن داوطلب شدند. در طی ۱۰ سال بارها با آنها مصاحبه شد، زندگی‌شان زیر نظر گرفته شد و از آنها خواسته شد در آزمایش‌های مختلف شرکت کنند. استاد دانشگاه هارتفوردشایر به این نتیجه رسید که کلید خوش‌شناسی و بدشناسی در افکار و کردار این افراد می‌باشد. وایزمن با ترتیب دادن آزمایشی سعی کرد بفهمد آیا این مساله ناشی از توانایی آنها در شناسایی چنین فرصت‌هایی است یا نه. او به هر دو گروه افراد خوش‌شناس و بدشناس روزنامه‌ای داد و از آنها خواست آن را ورق بزنند و بگویند چه تعداد عکس در آن هست. به طور مخفیانه یک آگهی بزرگ وسط روزنامه قرار داده شده بود که می‌گفت: اگر به سرپرست این مطالعه بگویید که این آگهی را دیده‌اید، ۲۵۰ پوند پاداش خواهید گرفت. این آگهی نیمی از صفحه را پر کرده بود و با حروف بسیار درشت چاپ شده بود. با اینکه این آگهی کاملاً خیره‌کننده بود، افرادی که احساس بدشناسی می‌کردند آن را ندیدند، در حالی که اغلب افراد خوش‌شناس متوجه آن شدند. مطالعه ریچارد وایزمن نشان داد افراد بدشناس عموماً عصبی‌تر از افراد خوش‌شناس هستند و این فشار عصبی توانایی آنها را در توجه به فرصت‌های غیرمنتظره مختل می‌کند، در نتیجه آنها فرصت‌های غیرمنتظره را به خاطر تمرکز بیش از حد بر سایر امور از دست می‌دهند. این روانشناس تجربی پنج معیار شخصیتی در رابطه با خوش‌شناس‌ها و بدشناس‌ها ارائه داد؛ سازشکاری، وظیفه‌شناسی، برونگرایی، روان‌رنجوری و جسارت. این دو گروه در سازشکاری و وظیفه‌شناسی شبیه هم هستند ولی

برونگرایی افراد خوش‌شناس به طور مشهودی سرتر از بدشناس‌ها بود. وایزمن عقیده داشت برونگرایی از سه طریق، معاشرت با افراد بیشتر، بهره‌بردن از گیرایی اجتماعی و در تماس بودن با افراد، احتمال برخورد خوش‌شناس‌ها را با پیشامدهای خوش‌اقبال به نحو چشمگیری افزایش می‌دهد. برای مثال افراد خوش‌اقبال اغلب دو برابر بدشناس‌ها لیخند بر لب دارند و نگاهشان بیشتر با دیگران درگیر است که به برخوردهای اجتماعی و ایجاد فرصت‌های بیشتر منجر می‌شود. بر عکس وقتی درون‌گراها به مهمانی می‌روند چنان غرق یافتن جفت بی‌نقصی هستند که فرصت‌های عالی برای یافتن دوستان خوب را از دست می‌دهند. آنها به قصد یافتن مشاغل خاصی روزنامه را ورق می‌زنند و از برخورد با سایر فرصت‌های شغلی باز می‌مانند. افراد خوش‌شناس انسانهای راحت‌تر و بازتری هستند، در نتیجه آنچه را در اطرافشان وجود دارد و نه فقط آنچه را در جست‌وجوی هستند می‌بینند. شاخص روان‌رنجوری میزان آسودگی یا اضطراب فرد را می‌سنجد و طبق یافته وایزمن، تعداد خوش‌شناس‌های مضطرب نصف بدشناس‌ها بودند، چون خوش‌شناس‌ها خیال‌شان راحت‌تر از بقیه است و به فرصت‌های تصادفی (حتی در زمانی که انتظارش را ندارند) توجه نشان می‌دهند.

علاوه بر این ریچارد وایزمن دریافت که خوش‌شناس‌ها جسارت خیلی بیشتری هم نسبت به بدشناس‌ها دارند. افراد خوش‌شناس در زندگی پذیرای تجربه‌های جدید هستند. پابندی به عرف ندارند و عاشق پیش‌بینی ناپذیری اند. خوش‌شناس‌ها به خودی خود بیشتر سفر می‌کنند، با فرصت‌های تازه رودررو می‌شوند و از موقعیت‌های منحصر به فرد استقبال می‌کنند. البته انتظارات هم نقش مهمی در شناس‌یابی می‌کند. افراد خوش‌اقبال در انتظار وقوع چیزهای بهتری هستند و با روبه‌رو شدن، از آنها بهره می‌برند. اما حتی در مواجهه با بدبختی هم خوش‌شناس‌ها شکستشان را به اقبالی بلند تبدیل می‌کنند.



تجربه جالب و کشف انگیز نقل از دکتر زهرا فرنودی، روانشناس بالینی

بچه‌بودم و با بچه‌های دیگر مشغول بازی، مادر بزرگ می‌آمد و با یک اشتیاق که اندازه اش را آن روزها نمی‌دانستم، ولی امروز که مادر بزرگ شده ام خوب می‌دانم، بسوی من می‌آمد که بغلم کند و به آغوشم بکشد. من نگران لحظه‌ای که میان من و بازی دوستان از کف می‌رفت خودم را از آغوش مهربانش به عجله بیرون می‌کشیدم و می‌دویدم سراغ بچه‌ها. گاهی آغوش منتظرش چند لحظه تهی از من، باز می‌ماند.

حالا هم آغوش اشتیاق او را خوب می‌فهمم. و هم گرایش عجولانه نوه‌های خودم را که با شتاب بسوی بچه‌ها می‌شوند. شاید این راز بزرگ هستی است که در آینده اشتیاق را باید یافت. عظمت عشق مادر بزرگم را روزی دریافتم که برای آخرین بار ایران را ترک می‌کردم. حدوداً هشتاد ساله بود. به فرودگاه آمد. از میان میله‌های بین مسافران و بدرقه‌کنندگان، تا آخرین لحظه دست‌های لرزانش را به صورت من می‌مالید و آخرین کلامش که از میان لبان لرزان شکسته بیرون می‌آمد گفت: "مادر، خدا پشت و پناهِت."

دیگر هیچ، از سالن بالای مهر آباد دیدم که پریشان و جستجوگر از میان فاصله آدم‌ها سرک می‌کشید که شاید دوباره ما را ببیند که دیگر ندید. و....روانش شاد.

GROUNDHOG DAY

The Origins of Weather Prediction and Superstition

Groundhog Day is a day celebrated on February 2nd. According to folklore, if it is cloudy when a groundhog emerges from its burrow on this day, then spring will come early; if it is sunny, the groundhog will supposedly see its shadow and retreat back into its burrow, and the winter weather will persist for six more weeks.

Modern customs of the holiday involve celebrations where early morning festivals are held to watch the groundhog emerging from its burrow. When German settlers arrived in Pennsylvania the 1700s, they brought a tradition known as *Candlemas Day*, which has an early origin in the pagan celebration of Imbolc. It came at the mid-point between the Winter Solstice and the Spring Equinox. Superstition held that if the weather was fair, the second half of winter would be stormy and cold. For the early Christians in Europe, it was the custom on Candlemas Day for clergy to bless candles and distribute them to the people in the dark of winter. A lighted candle was placed in each window of the home. The day's weather continued to be important. If the sun came out February 2, halfway between winter and spring, it meant six more weeks of winter.

Why the Groundhog?

Since a groundhog (or woodchuck or "whistle pig") hibernates for the winter, its coming out of the ground is a natural sign of spring. In Europe centuries ago, people watched for other hibernating animals, including badgers, bears, and hedgehogs, as signs of winter's end. Germans who immigrated to Pennsylvania began keeping an eye on the groundhog. The widespread population of the rodent made it a handy agent for this particular weather superstition. And a superstition it is. But there's a grain of truth: the winter days when you can see your shadow clearly are often especially cold, because there are no clouds overhead to insulate the earth.

Why February 2nd?

Early February is midway between the winter solstice and the spring equinox. Throughout history numerous holidays have marked this seasonal crossroads.

The midwinter date was a day to take stock and determine whether you have enough food and firewood to last the rest of the winter. If you miscalculated the previous fall, and your cow started to look skinny, you had good reason to look for omens of an early spring.



شعر از کیوان هاشمی

من از شیهای تاریک بدون ماه می ترسم
نه از شیر و پلنگ، از این همه روباه می ترسم
مرا از جنگ رو در روی میدان گریزی نیست
ولی از دوستان آب زیر کاه می ترسم
من از صد دشمن دانای لا مذهب نمی ترسم
ولی از زاهد بی عقل نا آگاه می ترسم
پی گم گشته ام در چاه نادانی نمی گردم
اصولا من نمی دانم چرا از چاه می ترسم
اگر چه راه دشوار است و مقصد ناپدید اما
نه از سختی راه، از سستی همراه می ترسم
من از تهدید های ضمنی ظالم نمی ترسم
من از نفرین یک مظلوم، از یک آه می ترسم
من از عمامه و تسبیح و تاج و مسند شاهی
اگر افتد به دست آدم خود خواه می ترسم
مرا از داریوش و کورش و این جمله، باکی نیست
من از قداره بندان مرید شاه می ترسم
نمی ترسم ز درگاه خدای مهربان اما
ز برخی از طرفداران این درگاه می ترسم
خدای من نمی دانم چرا از تو نمی ترسم
ولی از این برادر های حزب الله می ترسم
چو "کیوان" بر مدار خویش می گردم، ولی گاهی
از این سنگ شهاب و حاجی گمراه می ترسم



Ancient pagans marked the solstices and the equinoxes as a way of measuring the cycle of the year. There are also important dates that fall in the midpoint between the solstices and equinoxes, which were considered the real beginnings of the seasons. These "cross quarters" are called Lughnasadh, Samhain, and Imbolc. Imbolc falls on February 2nd.

فریبا کامرانی

مشاور فعال در امور خرید و فروش

املاک مسکونی و تجاری

تخصص، تجربه، صداقت من

ضامن اطمینان شماست

919-619-3609

fkamrani@fmrealty.com

www.liveintriangle.com



برنامه های آینده کانون

جشن نوروز مدرسه فارسی: 15 مارچ

چهارشنبه سوری: 17 مارچ

جشن نوروز کانون: 21 مارچ

سیزده بدر: 5 آوریل

کنسرت شهرام شب پره: 18 آوریل

پرژن فستیوال: 25 آوریل

جشن فارغ التحصیلی مدرسه: 6 جون

انتخابات کانون: 7 جون



Family Dentistry

Dr. Hamid Rouhani, DDS

Brier Creek

7980 Arco Corporate Dr., Ste 102

Raleigh, NC 27617

919-908-1168

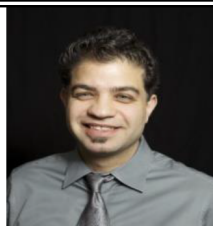
Garner

801 Highway 70 West

Garner, NC 27529

919-661-4077

www.brightsmilesnc.com



ICSNC Future Events

Persian School Nowruz Party: March 15

Chaharshanbeh Souri: March 17

Kanoon Nowruz Party: March 21, 2015

Sizdah Bedar: April 5

Sharam ShabPareh Concert: April 18

Persian Festival: April 25, 2015

Persian School Graduation Party: June 6

Kanoon Board Election: June 7



نوروز پیروز

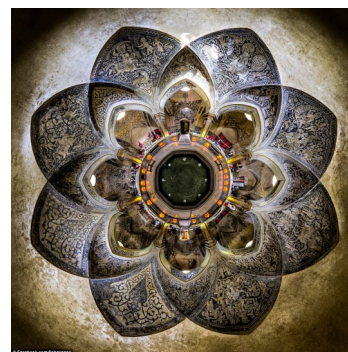
Caspian Int'l Food Mart

Imported Food from Around the World

ارائه کننده نیازمندی های نوروزی شما در یک مکان

Tel: (919) 954-0029

حراج مخصوص: خیارشور مارک BH درشت فقط ۱,۹۹ دلار
(تا آخر فروردین)



یه روز غضنفر یه ملخ می گیره میگه بپر ملخه می پره ، یه پاشو میکنه
میگه بپر ملخه می پره ، پای دوشو هم میکنه باز میگه بپر. ایندفعه
ملخه نمی پره. غضنفر یه نتیجه علمی می گیره:
وقتی دوتا پای ملخ کنده شه ملخ کر میشه.

گوگل اگه شیرازی بود وقتی یه چیزی رو سرچ میکردی . . اول می پرسید " کاکو
میخوی چیکار ؟!؟! " بعد که توضیح میدادی میگفت : "حالا خیلی واجبه ؟! " اگه
جوابت مثبت بود میگفت : خعله خب کاکو ، بیشین یه کم بگردم ببینم چیپوو میشه ؛
ولی قولت نمیدم!



NC Persian Festival April 25, 2015

www.NCPersianFestival.com

جشنواره ایرانیان کارولینای شمالی 25 آوریل 2015



باغ ارم، شیراز



خانم های نماینده مجلس شورای ملی در مقابل مجلس



یادی از گذشته

نوشته: مهرانگیز ابراهیمی احمدی

سالها پیش در تهران به دعوت یکی از دوستان به اتفاق همسر در انجمن شاعران و نویسندگان به عنوان مهمان شرکت کردیم. شب زیبایی بود و زنده یاد فریدون مشیری در آن شب ریاست جلسه را به عهده داشتند. جشن به مناسبت بزرگداشت شاعر فارسی زبان نظامی گنجوی، یکی از بهترین های ادبیات ایران بود. گروهی از شاعران و نویسندگان عقیده شان بر آن بود که نظامی همیشه عاشق بوده و تخیلی قوی و خدادادی داشته است. اشعار او در باره عشق و دلدادگی از یک منبع الهام آسمانی سر چشمه می گرفت که منحصر به فرد بود و داستان های لیلی و مجنون و همچنین شیرین و فرهاد از شاهکارهای خلایق او می باشند.

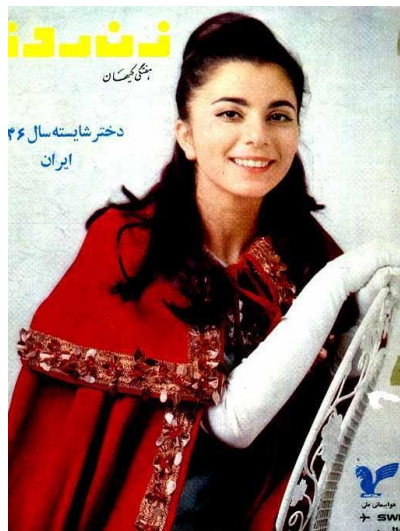
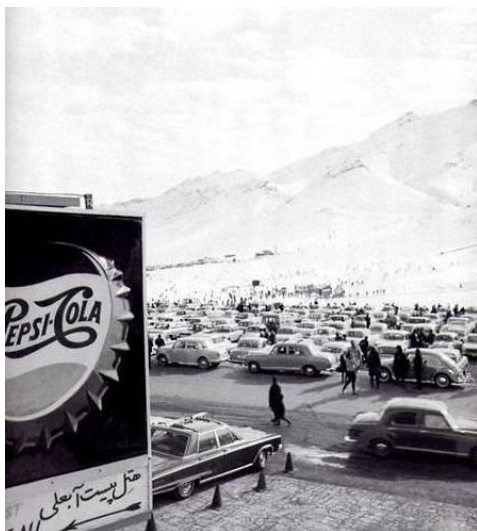
فریدون مشیری سخن را آغاز کرد:

ساقی جامی بده به شادکامی	این بار به شادی نظامی
کس نیست ز شاعران نامی	در حلقه عشق چون نظامی
عشقی که نظامی آفریده است	در دنیا نه شنیده نه دید است
این گونه که آشنای عشق است	در باور من خدای عشق است
شعر تو بهار بی خزان است	موسیقی عهد باستان است
یک سنگ ز بیستون ندیده است	صد نقش ز بیستون کشیده است
آن تپشه که داد دست فرهاد	از قدرت عشق میکند یاد
فواره واژه های رنگین	زیبا دلکش لطیف شیرین
مجنون که به عشق نامور شد	معیار محبت بشر شد
چون بال به بال عشق بستی	تا هست جهان همیشه هستی

این جشن تا پاسی از شب ادامه داشت و فریدون مشیری و دیگر شاعران و نویسندگان بر جسته ایرانی با خواندن اشعار دلنشین نظامی از آن شاعر عالیقدر بزرگداشت نمودند.

از راست به
چپ:

- 1- ایرن هنر پیشه ایرانی
- 2- دختر شایسته در سال 1336
- 3- پیست آبعلی



مدرسه فارسی و برگزاری جشن یلدا

کفتم غم تو دارم کفتم غمت سر آید
 کفتم ز مهر و رزان رسم و فایا منو
 کفتم که بر خیاست راه نظر بیند
 کفتم که بوی رفت کمره عالم کرد
 کفتم خوش هوايي که با باد صبح خیزد
 کفتم که نوش لعلت مارا به آرزو گشت
 کفتم دل حیرت کی غم صبح دارد
 کفتم که ماه من شو کفتم اگر بر آید
 کفتم ز ما حبه دیان این کار کمتر آید
 کفتم که شبر و است و از راه دیگر آید
 کفتم که بانی هم اوت حبه بر آید
 کفتم خاک نمیمی که ز کوی لب بر آید
 کفتم تو بستی که کن کا و بنده پرور آید
 کفتم کوی با کس تا وقت آن در آید
 کفتم زمان عشرت دیدی که چون سر آید
 کفتم خموش حافظ کاین غم بهیر آید



رایان اصغریان و معلمش خانم سارا منصوری



Hosted by *ICSNC Persian School* a non-profit organization

Sunday March 15th

4:00-9:00pm

The Brier Creek Country Club, Raleigh

Noruz Programs, Amoo Noruz, Dinner, DJ Reza, Dance and more

Tickets: Adult \$35

Student (Duke, UNC, NC State) or

Kid (3-16 years old) \$25

Tickets are limited and have to be purchased in advance, no tickets at the door

We are welcoming Sponsors

To get more information or to purchase tickets please contact:
Ms. Mohadjer at mohadjers@gmail.com

در برگزاری جشن یلدا به وسیله مدرسه فارسی، رایان اصغریان متن زیر را به زبان فارسی به نحوی زیبا و روان خواند. شاگردان مدرسه بعد از گفتار رایان شعری از حافظ را که به عنوان فال حافظ بر گزیده بودند با همدیگر خواندند.

”شمس الدین محمد حافظ مشهور به خواجه حافظ شیرازی در اوایل قرن هشتم هجری در شیراز به دنیا آمد و در همان شهر زادگاه خود چشم از جهان فرو بست. مقبره حافظ را کریم خان زند مرمت کرد و سنگ یک پارچه مرمری بر روی آن نصب گردید که زیارتگاه اهل دل است. حافظ قرآن را بسیار مطالعه می کرد و آن را از بر داشت. به همین مناسبت حافظ تخلص می کرد. فلسفه فکری حافظ از این مسئله شروع می شود که چیزی از اسرار کائنات و حقیقت آن بر انسان معلوم نیست. عشق به زیبایی و آزادی احساسات و گل و شراب و خوشی های زندگی، رنج و ناکامی، عشق یک طرفه، درد فراق، رسوا ساختن، دورویی و سالوسی، از موضوعات اصلی اندیشه های شاعر است.

اشعار حافظ هم طرب انگیز است و هم مجموعه ای از لطایف حکما و اسرار عرفانی. از این جهت خاص و عام از گفتارش لذت می برند. و کمتر شاعری توانسته است آن همه اسرار حقیقت را بیان کند. اشعار حافظ به چندین زبان ترجمه شده است.

ایرانیان در شب یلدا با کتاب حافظ فال می گیرند. امشب ما برایتان یک غزل از حافظ می خوانیم. امیدواریم که خوشتان بیاید.“





بدون اغراق یکی از فعال ترین داوطلب های کانون، خانم فریده جبارزادگان است. فریده از بدو ورودش به این منطقه، در سال ۱۹۸۸ به عضویت کانون در آمد و فعالیتش را تا به امروز ادامه داده است. ایشان به مدت ۶ سال به عنوان رابط در هیئت مدیره کانون نیز خدمت کرده اند. یکی از خصوصیات زیبای فریده کمک های بی دریغشان به مردم می باشد. فریده به همراه همسرشان آقای حبیب جبارزادگان در هر برنامه ای که از آنها کمک خواسته شود بدون هیچ گونه عذر و بهانه همکاری خود را دریغ نمی کنند. ایشان همیشه می گویند از بدو ورود به آمریکا عضو کانون شدم چون به اهدافش اعتقاد دارم. زمانی که دخترانم فریبا و پریسا تنها بودند مانند تمام ایرانیان این منطقه که در آن زمان تعدادشان زیاد نبود دور هم جمع میشدند و از برنامه های کانون مانند جشن نوروز، و جشن یلدا استفاده می کردند. و من همیشه در فکر بودم که این سازمان فرهنگی را پشتیبانی کنم.

لازم به یاد آوری است که فریده از اولین سری بانوان فارغ التحصیل از دانشگاه تربیت معلم تهران در رشته ورزش می باشد. ایشان سالها دبیر ورزش دبیرستان نوریخس، و یکی از اعضای فعال انجمن بانوان در تهران که هدفش تربیت، تقویت و رشد بانوان ایران از طریق ورزش بود فعالیت می کردند. در طول سالیان دراز، فریده قهرمانان ورزشی زیادی را پرورانده است. در سال ۱۹۵۸ فریده کاپیتان تیم ملی والیبال بانوان ایران بود که مقام سوم را در بازیهای آسیایی بدست آورد. در سپتامبر ۱۹۷۴ ایشان یکی از داوران هفتمین بازیهای المپیک آسیایی در تهران بودند. کوشش های ورزشی فریده تا امروز ادامه دارد. یکی از این فعالیت ها آموختن شنا به آشنایان می باشد که فریده با صبر و حوصله و علاقه زیادی طریقه صحیح شنا کردن را به خانم ها می آموزد.

کانون ایرانیان به داشتن عضو فعالی مانند فریده جبارزادگان افتخار می کند و همواره همکاری و انسان دوستی ایشان را ارج می دهد.

Dr. Afshin Safavi is a veteran biochemist with extensive experience establishing and leading bioanalytical teams in pharmaceutical, manufacturing and biotechnology companies, as well as contract research organizations. He and his teams have supported the development of a broad range of therapeutics in pre-clinical and clinical-trial laboratories.

BioAgilytix Selected as a 2014 Leader in Diversity

BioAgilytix, a leading provider of contract bioanalytical services, has been selected by the Triangle Business Journal as a 2014 Leader in Diversity. The Leaders in Diversity Awards program is in its second year and recognizes the accomplishments of Triangle businesses, individuals, and nonprofits as they strive to reflect the rich tapestry of our community. These winners have demonstrated respect or inclusive treatment of others, advocacy for under-represented groups and multicultural marketing.

BioAgilytix Selected as one of the Triangle's Fastest Growing Companies:

The Fast 50 Awards includes the 50 fastest-growing private companies in the Research Triangle Park, NC area. BioAgilytix ranked 13 on the list.



Afshin Safavi, PhD, Founder & Chief Scientific Officer,

BioAgilytix Labs



پیوند تولد دوقلو های نازنین، سپند و الوند را به پدر و مادرشان زهره و رضا جعفری شادباش می گوید. سپند و الوند در ۱۴ اکتبر ۲۰۱۴ در "کری" پا به جهان گذاشتند.

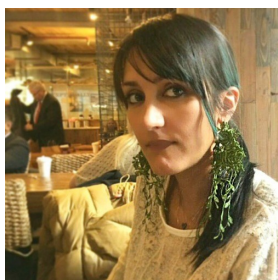
ALANGOO™

BRINGING UNDERGROUND FASHION ONLINE

Golshid Mola the founder of ALANGOO, grew up in Tehran. With a group of friends, she set up underground fashion shows and exhibitions to sell her avant-garde handmade apparel and home décor in Tehran. Although very successful, the group had no way of introducing their designs to the outside world.

Upon graduating from Azad University of Art and Architecture in Tehran, Golshid moved to New York in 2002 and earned a Masters degree in Graphic Communications Management and Technology from New York University. After working for some of New York's top ad agencies, she decided to use her experience in digital and online media to create a platform, giving a voice to her friends as well as other underground artists. ALANGOO is her brainchild.

www.alangoo.com



Golshid Mola , Alangoo founder



Few of many products displayed on Alangoo.com



شهرزاد افشین پور

Realtor, GRI, SRS, SFR, ASP

مشاور متخصص در امور خرید و فروش املاک
مسکونی و زمین در منطقه متروپلیتن رالی

www.CaryNC-homes.com
safshin@kw.com
919-616-6166



Serving Gourmet Iranian Cuisine



Please come and discover delicious authentic Persian Kabobs (Lambs, Beef, Chicken, Koobideh.....)

Stews and Basmati Rices with freshly Baked tondoai Bread.

We also offers a variety of catering options for all occasions.

Our restaurant uses only certified Halal meat.

7961 Skyland Ridge, Suite 110
Raleigh, NC 27617
(919) 596-2525

For catering info, contact Mehdi (919) 649-6666

Celebrating 10th anniversary of Healthy and delicious Iranian foods.




Located at Crabtree Valley Mall, Food Court

4325 Glenwood Ave
Raleigh, NC 27612
(919) 783-0506

For catering info, contact Mehdi (919) 649-6666

Minoo Rakhsha, CPA

Certified Public Accountant
Certified QuickBooks ProAdvisor



Member, North Carolina Association of Certified Public Accountants since 2001

Member, American Institution of Certified Public Accountants since 2007

Board Member & Treasurer at Iranian Cultural Society of North Carolina 2014

- Individual and Business Income Tax Preparation
- Individual and Business Accounting
- Tax Planning and Business Consulting
- Estate Planning and Gift Taxes
- Bookkeeping and Payroll Services
- QuickBooks Setup and Training

● Tel: 919-946-7100

minoorakhsha@yahoo.com

www.MinooRakhshaCPA.com

Minoo Rakhsha / REALTOR

Licensed North Carolina REALTOR

In addition to Accounting Services, Minoo is a licensed real estate professional who can assist you with all of your

residential real estate needs. **Buying, Selling or Investing—**

Minoo has the knowledge and financial experience to best assist you.

● Tel: 919-946-7100

minoo@advantagecb.com

Learn more at www.AdvantageCB.com/minoo

برای خرید، فروش و یا سرمایه گذاری،
مینو با تخصص و تجربه مالی خود، در
کمک به شما بهترینها را ارائه میدهد.



ADVANTAGE

Each Office is independently Owned and Operated.

